



به یاد استاد عبدالعظیم خان قریب

بدرالزمان قریب

عبدالعظیم خان قریب، ادیب فرزانه و استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، به سال ۱۲۹۶ق / ۱۲۵۷ش در گرگان (روستایی از توابع اراک) متولد شد و سوم فروردین ۱۳۴۴ش / ۱۳۸۴ق در تهران وفات کرد. قریب ۶۷ سال به تدریس زبان و ادب فارسی اشتغال داشت. او نخستین کسی است که دستور زبان فارسی به سبک جدید نوشت. بسیاری از استادان دانشگاه‌های کشور از شاگردان او بودند و هستند.

آثار

از آثار مهم او، *دستور زبان فارسی* (۴ جلد)؛ *قواعد فارسی* (صرف و نحو فارسی در ۳ جلد)؛ *دستور زبان فارسی* به همراهی چهار استاد دیگر (۲ جلد)؛ *فرانده الادب* (۶ جلد) و *بدایه الادب؛ کتاب املاء* (۳ جلد)؛ *قرائت فارسی* (با همکاری چند تن از فضلان در ۲ جلد)؛ *کتاب فارسی* از انتشارات مؤسسه وعظ و خطابه؛ *تصحیح کلیله و دمنه* نصرالله بن عبدالحمید (در چاپ‌های مکرر)؛ *تصحیح گلستان سعدی* با مقدمه مشروح (چاپ‌های مکرر)؛ *تصحیح بوستان سعدی*؛ *تصحیح تاریخ برامکه* به ضمیمه رساله‌ای در احوال برمکیان؛ و *سخنان شیوا* منتخب نثر و نظم فارسی را باید نام برد. مقالات تحقیقی او نیز در حوزه زبان و تاریخ ادبیات فارسی بود. وی در دو مقاله، یکی «درباره نخستین شاعران زبان فارسی» که در *مجله فروع تربیت* چاپ شد دیگری «درباره یوسف و زلیخای منسوب به فردوسی و معتبر نبودن این انتساب» که در *مجله آموزش و پرورش* انتشار یافت، نظریه‌های جدیدی داده است. گذشته از تألیف مستقل کتاب‌ها و مقاله‌ها، استاد در تألیف و تدوین کتاب‌های فارسی، که وزارت فرهنگ برای

دبیرستان‌ها فراهم می‌کرد شرکتی مؤثر داشت. وی، که در سال‌های پس از بازنشستگی هنوز در دانشگاه تدریس می‌کرد، به سبب زمین خوردن، دچار شکستگی استخوان پای چپ شد و بستری گردید و، بعد از عمل جراحی، به سبب کِبَرِ سن و ناراحتی ناشی از شکستگی پا، به رحمت ایزدی پیوست. مزارش در جوار حضرت عبدالعظیم، در ایوان حرم مُشْرِف به صحن آیت‌الله کاشانی (صحن شاه سابق)، واقع است؛ اما، به سبب بسته شدن ایوان، دسترسی به آن میسر نیست. اکنون که فرهنگستان زبان و ادب فارسی، برای قدردانی از خدمات فرهنگی استاد، خانه قدیمش را در روستای گرکان بازسازی کرده و مرکز مطالعات دستور زبان فارسی قرارداد و مراسم افتتاح آن در ۲۰ آبان ۱۳۷۸ برگزار شده است، شایسته است از مقامات آستانه حضرت عبدالعظیم درخواست شود که پلکان مشرف به ایوان مزار او را بگشایند تا شاگردان، دوستان، و خاندان آن استاد و همه کسانی که به خدمات بی‌شائبه او ارج می‌نهند بر مزارش بروند و از خداوند مَنان برای این خدمتگزار بزرگ فرهنگ ایران طلب رحمت کنند.

خاندان

پدر استاد، میرزا علی، سررشته‌دار مستوفی و از دانشمندان و اهل فضل زمان خود و پدر بزرگش، میرزا یوسف مستوفی، وزیر شیخعلی میرزا پسر فتحعلی‌شاه بود و در قلمرو حکومت او به امور وزارت اشتغال داشت. مادرش، دختر میرزا اسماعیل مستوفی، زنی بود دارای تحصیلات که، به گفته استاد، کارهای نوشتنی و خواندنی خویش را خود انجام می‌داد. جدش حاج عبدالقریب بود که همه جناح‌های خاندان قریب از وی منشعب می‌شود. استاد پنج فرزند داشت، سه دختر و دو پسر. پسر بزرگ او، مرحوم دکتر عباس قریب، پزشک متخصص رادیولوژی و چشم‌پزشکی، سال‌ها در بیمارستان بانک ملی خدمت کرد و در سال ۱۳۷۳ درگذشت. دختر مهتر او، مرحوم صدیقه قریب (همسر آقای معرفت، صاحب کتاب‌خانه معرفت)، در سال ۱۳۷۵ درگذشت. دختر کهتر استاد، مرحوم دکتر معصومه قریب، استاد گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۷۴ محیط دانشگاهی ما را به ماتم نشاناند. پسر کهتر ایشان، دکتر یحیی قریب، استاد بازنشسته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران است. دختر دیگر استاد، خانم زهرا قریب، همسر پزشک عالی‌قدر، دکتر محمد قریب، بنیانگذار طب کودکان در ایران است که دارای دو پسر (دکتر حسین قریب متخصص بیماری‌های عروق و داخلی و از پزشکان

برجسته ایرانی که اکنون در مرکز پزشکی مایوکلینیک امریکا مشغول خدمت است؛ و دکتر محسن قریب متخصص رادیولوژی) و دو دخترند.

گوشه‌هایی از زندگی نامه استاد

استاد عبدالعظیم قریب مقدمات زبان فارسی و عربی را در زادگاه خود، روستای گرکان، نزد پدر آموخت. در سال ۱۳۱۱، به دنبال برادر مهترش که او نیز در زبان عربی و ریاضیات استاد بود، به تهران آمد و در مدرسه مروی به تحصیل علوم قدیم (معانی و بیان، فقه و اصول، منطق و حکمت) نزد علمای زمان پرداخت. زبان فرانسه را نیز از مسیوکوت فرانسوی، معلم مدرسه دارالفنون، فراگرفت.

در سال ۱۳۱۷ قمری، به سن ۲۱ سالگی، وارد خدمت معارف شد و در مدرسه علمیه به تدریس در کلاس‌های دوم و سوم ابتدایی پرداخت. در سال ۱۳۲۳ قمری، برای تدریس ادبیات و زبان فارسی، به مدرسه نظام، که تحت سرپرستی مخبرالسلطنه هدایت اداره می‌شد، و سال بعد به مدرسه علوم سیاسی دعوت شد و تا این مدارس دایر بودند او از استادان محبوب و مشهور آنها بود.

از سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۹ قمری، در مدرسه ایران و آلمان تدریس زبان فارسی را عهده‌دار بود. در این مدت، شاهد روش تدریس زبان آلمانی و فرانسه به دانش‌آموزان ایرانی شد که آموزگاران اروپایی یا اروپارفته بر عهده داشتند. آگاهی او از کتاب‌ها و شناخت روش تدریس این اروپاییان استاد را به تهیه و نوشتن کتاب‌هایی که شامل قواعد زبان فارسی شود و بتوان آنها را به آسانی به کودکان و دانش‌آموزان آموخت تشویق و ترغیب کرد. اگرچه پیش از او، چه در اروپا و چه در ایران، کتاب‌هایی درباره قواعد زبان فارسی نوشته بودند، اما هیچ یک برای آموزش در سطح دبستان و دبیرستان به کودکان و نوجوانان مناسب نبود. استاد تألیفات خود را با شواهد و تمرین‌های ساده می‌آراست که دانش‌آموزان را به تلاش ذهنی و امی داشت و در این مهم واقعاً پیش‌گام بود.

مدارج خدمت استاد به زبان و ادب فارسی با تاریخ پیش‌رفت فرهنگ دانش‌آموزی هم‌عنان بود. وی ۶۷ سال از عمر پربار خود را در خدمت دانش و فرهنگ از دبستان تا دانشگاه سپری کرد و در هر مرتبه و مقام که این مهم به او واگذار شد از عهده آن به خوبی برآمد. او در مدارس علمیه، نظام، علوم سیاسی، دارالفنون و دارالمعلمین، دانشگاه تهران و دانشسرای عالی تدریس کرد و این وظیفه را در سال‌های پیری نیز گاه بدون چشم‌داشت، انجام داد. یکی از شاگردانش نقل می‌کند که:

استاد، در دوره دکتری ادبیات فارسی، دستور زبان فارسی تدریس می‌کرد. شاهدی شعری از بر می‌خواند و از دانشجو می‌خواست آن را به اصطلاح تجزیه و ترکیب کند. آنگاه خودش نظر می‌داد و، به مناسبت، قاعده‌ای تقریر می‌کرد و می‌کوشید تا برای تشخیص مقوله‌های صرفی ملاک‌های صوری به دست دهد. یک روز نوبت به دانشجویی مصری رسید که با زبان فارسی آشنایی کافی نداشت و طبعاً در تمرین از جواب عاجز می‌ماند. بغل‌دستی‌ها به او تلقین می‌کردند. به اصطلاح می‌رساندند و او تکرار می‌کرد. استاد، که می‌شنید، رو کرد به او و گفت: «در امتحان چه می‌کنی؟» جواب داد: «خدا بزرگ است!» و کلاس به خنده افتاد.

در فرهنگستان اول (تأسیس ۱۳۱۴) کمیسیونی برای تدوین دستور زبان فارسی با شرکت محققان و استادان مبرزی چون ملک‌الشعراى بهار، عباس اقبال آشتیانی، ابراهیم پورداود و همایون فرخ تشکیل شد که عبدالعظیم خان ریاست آن را بر عهده داشت.

استاد عبدالعظیم قریب، ضمن خدمت طولانی خود به فرهنگ ایران، چندین بار، چه از جانب وزارت معارف (که بعداً به وزارت فرهنگ تغییر نام داد) و چه از جانب دانشگاه، مورد تقدیر قرار گرفت. در همه تقدیرنامه‌ها از مجاهدات او در رشد و ترویج دانش سخن رفته و از تلاش و پی‌گیری و مساعی توان‌فرسای او در امر گسترش آموزش زبان فارسی قدردانی شده است. چند نشان علمی دریافت کرد و در سن هفتاد سالگی، مجلس بزرگ‌داشتی برای تقدیر از پنجاه سال خدمت فرهنگی او برپا شد. پس از درگذشت استاد قریب، یکی از شماره‌های مجله *دانشکده ادبیات دانشگاه تهران* (تیرماه ۱۳۴۵، شماره چهارم، سال سیزدهم) در یادبود او منتشر شد و افرادی چون استاد جلال همایی و دکتر لطفعلی صورتگر در ستایش او شعر سرودند. در همین شماره، محمد دبیرسیاقی، که از دانشجویان قدیم استاد بوده است، پرکاری در امر تعلیم و تربیت، ثبات عقیده، پاک‌طینتی، آزادمنشی، حقیقت‌جویی را از سجایای اخلاقی او شمرده و آن بزرگوار را «کسی که یک‌دم از آموختن نیا سوزد، نیک‌نام زیست و نیک‌نام از جهان هستی بیرون شد» وصف کرده است. هم‌چنین عیسی صدیق اعلم، که در سال ۱۲۹۹ همکار وی در مدرسه دارالفنون بوده است، درویشی، عارف‌منشی، مناعت‌طبع، و عزت‌نفس او را ستوده است.

استاد در ادای وظیفه آموزشی مقید به انضباط کامل بود و خود را مکلف می‌دانست که همواره سر وقت در کلاس درس حضور یابد. یکی از شاگردانش، نقل می‌کند که:

وی، برای طی راه خانه به مدرسه، با یکی از درشکه‌چی‌ها قرار گذاشته بود هر روز در موعد مقرر در خانه حاضر شود و او را به وقت به مدرسه برساند. یک روز دیر کرد و استاد همان روز

قرار را فسخ کرد و از فردای آن روز پیاده به مدرسه رفت تا به موقع سر درس حاضر باشد.
از گفته‌های استاد قریب، ده سال پیش از درگذشت اوست که در مجله *دانشکده ادبیات*
دانشگاه تهران (۱۳۴۵، ص ۸) درج شده است:

اکنون که در حدود پنجاه و هشت سال است که به تربیت و تعلیم فرزندان این کشور و نشر
زبان مقدس فارسی اشتغال دارم و اگر نیروی بدنی خود را از بینایی و شنوایی و حافظه از
دست داده‌ام نهایت افتخار را دارم که آنچه برای این بنده مقدور بوده است به راستی و درستی
انجام وظیفه نموده‌ام و به زبان و بیان و قلم در تعلیم فرزندان این خاک پاک و نشر زبان
میهن مقدس خود سعی جمیل مبذول داشته‌ام و درمقابل بعضی از ناملایمات از کوشش و کار
باز نایستاده و سستی در انجام غایت مطلوب و مقصود خود راه نداده‌ام.

فرزندان روحانی استاد هزاران دانش‌آموز و دانشجویند که مستقیماً از محضر وی یا از
نسل‌های پی‌درپی شاگردان وی فیض برده و توشه خرد و دانش اندوخته‌اند. در اینجا،
چند نکته، به نقل از یکی از شاگردان قدیمی او، سعید نفیسی، که چند سال از مدرسه
ابتدایی تا متوسطه دانش‌آموز او بوده و تصویری از میرزا عبدالعظیم خان قریب ارائه
داده، ذکر می‌شود:

شاگردان قدیمش او را به عنوان *میرزا* می‌شناختند، جوان بیست و شش ساله لاغر اندام، با
چهره اندیشه‌مند، سیمای جدی و لحن آرام و بانگی دل‌نشین. ما او را سرمشق درست‌کاری،
درست‌گویی و درست‌رفتاری، نمونه کامل انصاف و جوانمردی و مظهر وظیفه‌شناسی و
دل‌سوزی می‌دانستیم. او پدر مشترک همه شاگردان بود.

همو، در جای دیگر (جشن نامه هفتاد سالگی استاد)، می‌نویسد:

... زبانی که بیش از هزار سال در جهان بماند، هزاران گوینده و نویسنده بزرگ در آغوش خود
جای دهد، از کنار جیحون تا ساحل فرات و از دامنه‌های البرز و دربند قفقاز تا حاشیه بیابان
سوزان عربستان، از مرز چین تا کنار سند، کشورها را یک به یک بگیرد و بر آن فرمانروایی کند
و، پس از هزار سال زیستن و جهان‌گشودن، در روستای گزگان، در سرزمین اراک، کودکی باید
به جهان بیاید و به شور و پشتکار، عشق و سوز درون خویش، برای این زبان قواعدی وضع
کند و «دستور زبان فارسی» بنویسد.

پس از درگذشت استاد، کتاب‌خانه او، حاوی حدود ۴۰۰۰ کتاب متون معتبر به دانشگاه
تربیت معلم اهدا شد.

